



* سایت جدید *

سایت فعلی (قدیم) دیگر بروزرسانی نمی شود جهت مشاهده اطلاعات بروز به سایت جدید مراجعه نمایید

فروشگاه

مقالات | سخنرانی ها | موبایل | آثار منتشره | محصولات نرم افزاری | نظرات | طرح پرسش | پاسخ ها



تعداد بازدید: 11947

تاریخ: 13 فروردین 1388

افسانه عبد الله بن سبأ 01



پخش صوت



دان لود

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: افسانه عبد الله بن سبأ 01

شبهه سلام : 13 / 01 / 88

* *

استاد حسینی قزوینی

قبل از شروع بحث، چند نکته را به عنوان مقدمه اشاره می کنم:

در این دو سه هفته اخیر، عزیزان، سوالات زیادی در شبکه سلام داشتند، چه از طریق تلفن و چه از طریق ایمیل و پیامک و غیره. برخی، در ماهواره های مستهجن، به نام دفاع از قرآن و اسلام، مطالبی را علیه مذهب شیعه و مذهب نورانی

اهل بيت (عليهم السلام) مطرح مي‌کنند و موجب رنجش عزيزان شيعه مي‌شود و قلب اين عزيزان جريحه‌دار مي‌شود و بعضا به آن شبکه، تلفن مي‌زنند و چه بسا، بعضا هم حرف‌هاي نادرستي مي‌زنند.

من در اینجا از همه عزيزان شيعه و جوانان، تقاضا مي‌کنم و دست‌شان را مي‌بوسم، بگذاريد اينها به شيعه و اهل بيت (عليهم السلام) فحاشي و جسارت کنند. اگر به ما و مراجع عظام تقليد و بزرگان ما، رکيک‌ترين سخنان‌شان را مطرح مي‌کنند. از کوزه همان برون تراود که در اوست.

اينها با اين فحاشي‌ها و اهانت‌هايي که به مراجع ما و ائمه (عليهم السلام) و به شيعه و زيارتگاه‌هاي ما مي‌کنند، در حقيقت، بهترين خدمت را به فرهنگ شيعه مي‌کنند. چون امروز، تمام بينندگان - شيعه و سني -، فرهنگ بالائي دارند و اين را مي‌دانند که کسانی که متوجه نيستند و متوسل به فحش و ناسزا و اهانت مي‌شوند، نشان‌گر اين است که دست‌شان از هرگونه حرف حسابي و دليل و برهان، خالي است. اگر اينها دليلي يا سخني براي گفتن داشته باشند، به هيچ وجه متوسل به فحش و ناسزا و اهانت روي نمي‌آورند. اگر اينها هزاران فحش هم به ما بدهند، ما به هيچ وجه يک فحش هم در جواب اينها نمي‌دهيم.

بنده معتقدم که بگذاريد جوانان ما به اين برنامه‌ها گوش کنند و ببينند اينهايي که به شيعه، اينچنين حمله مي‌کنند و فرهنگ شيعه را زير سوال مي‌برند، با چه عبارات رکيک و با چه جملات وقيح که نشان‌گر ادب آنهاست و تربيت‌شده کدام مکتب هستند. اگر ما هم بخواهيم مقابله به مثل بکنيم، قطعاً ضررش به مکتب و مذهب ما برمي‌گردد.

جالب اين است که يک آقايي که در همان شبکه مستجهن در روزهاي يکشنبه، به عنوان دفاع از قرآن و دعوت به قرآن، برنامه دارد و حتي قرآن را هم متوجه نيست و نمي‌فهمد، در همين شب دوشنبه، ديدم ايشان براي اين که به توسل شيعه به ائمه (عليهم السلام) اشکال کند و از دیدگاه قرآن، مسئله‌اي را مطرح کند، **آيه 117 سوره مائده** را مطرح کرد که حضرت عيسي (عليه السلام) مي‌گويد:

وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

وقتي من مُردم و رفتم، ديگر از اعمال مردم خبر ندارم.

این آقا در تفسیر این آیه، بیش از ده جمله غلط و تفسیر ضد قرآنی داشت. این جمله ایشان، خلاف نظر قرآن است. قرآن صراحت دارد حضرت عیسی (علیه السلام) نمرده است:

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ

سوره نساء/آیه 157

ایشان زنده است و مردم تصور کرده‌اند که او مرده است و قضیه **وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا** در جواب خدای عالم است که می‌گوید:

وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ

سوره مائده/آیه 116

فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ

ای عیسی! آبا تو گفتی که مرا و مادرم را به عنوان خدا، پرستش کنید؟ حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود:

مادامی که من در میان اینها بودم، مواظب بودم که اینها عقائد انحرافی نداشته باشم.

وقتي که مرا به سوي خود بردي، نو مسئول اعمال مردم هستي.

عليّ أي حال، اگر این آقایان بروند دنبال همان موضوعي که تخصص دارند در تاريخ و جغرافيا و فيزيک و مسائل سياسي و آنها را مطرح کنند، بهتر از آن است که بيايند وارد قرآن شوند و فرهنگ شيعه را اينچنين ناجوانمردانه و با جهالت و ناداني، مورد هجمه قرار دهند.

بنده در نظرم نيست که به حرفهاي بي‌اساس اينها جواب بدهم. ولي از آنجايي که دوستان، مرتب زنگ مي‌زدند و درخواست مي‌کردند که به برخي از اين صحبت‌ها پاسخ داده شود، من ناگزير شدم که اين نکات را خدمت بينندگان عزيز تقديم کنم. ان شاء الله اگر فرصت شود، در بخش پاسخ به سوالات يا تلفن‌ها يا در جلسات آينده، در اين زمينه، با بينندگان عزيز بيشتر صحبت خواهم کرد.

* * * * *

آقاي باسيني

عبدالله بن سبا، يکي از افراڊي است که وهابيت عليه شيعه اين شبهه را مطرح کرده‌اند که مذهب شيعه، وابسته به ايشان است. لطف کنيد در مورد ايشان و اين شبهه توضيحاتي را بدهيد که آيا واقعيت است يا افسانه؟

استاد حسيني قزويني

يکي از حساس‌ترين شبهاتي که از دير زمان، متوجه فرهنگ نوراني شيعه بوده است، اين است که مؤسس و بنیان‌گذار مذهب شيعه، یک فرد يهودي به نام عبدالله بن سبا است. ابن‌تيميه و بعد از او دهلوي و احسان إلهي ظهير و الان هم بعضي از اساتيد دانشگاه‌هاي عربستان سعودي مانند دکتر قفاري و ديگران مطرح مي‌کنند و در بعضي از ماهواره‌هاي

وهابیت، مخصوصاً در این دو سه ماه اخیر، من دیدم که خیلی روی این قضیه سرمایه‌گذاری می‌کنند که مذهب شیعه را متصل کنند به یک یهودی به نام عبدالله بن سبا. من، تقریباً نظر بنیان‌گذاران مذهب وهابیت و تئورسین‌ها و بزرگ نظریه‌پردازشان را در اینجا می‌خوانم تا عزیزان بدانند که اینها برای زیر سوال بردن مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و مذهب شیعه‌ای که برخاسته از متن قرآن است و منطبق با فرهنگ راستین محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است، چگونه به دست و پا افتاده‌اند و سخنان بی‌اساس و بی‌پایه می‌زنند و حتی خودشان هم در این زمینه، گرفتار تناقض‌ها و مطالب گوناگون شده‌اند. شما ببینید که خود آقای ابن‌تیمیه - تئورسین وهابیت - در کتاب **مجموع فتاوی**، این عبارت را دارد:

أن أصل الرفض من المنافقين الزنادقة، فإنه ابتدعه ابن سبا الزنديق و أظهر الغلو في علي بدعوى الإمامة و النص عليه و ادعى العصمة له.

اساس مذهب شیعه برمی‌گردد به منافقین و ملحدین به نام عبدالله بن سبا ملحد که ایشان درباره علی، غلو کرد و گفت او امام است و پیامبر هم او را به نام خلیفه، نصب کرده است و مدعی عصمت علی است.

مجموع الفتاوی لابن تیمیه، ج 4، ص 435

همچنین در کتاب‌های متعدد دیگر، ایشان این مطالب را مطرح می‌کند و جالب است که عزیزان و جوانان و بعضی از مولوی‌های عزیز اهل سنت و ماموستاهای عزیز - که بعضاً تصور می‌کنند وهابیت جزئی از اهل سنت هستند و وهابیت برای اینها، دسته‌گل به ارمغان آورده‌اند - و عزیزانی که در داخل یا خارج از کشور با شیعیان زندگی می‌کنند و از وضع شیعیان خبر دارند، بدانند که تئورسین و نظریه‌پرداز وهابیت، نظرش نسبت به شیعه چیست. ایشان می‌گوید:

اول من ابتدع القول بالعصمة لعلي و بالنص عليه بالخلافة هو رأس هؤلاء المنافقين عبدالله بن سبا، فأظهر الإسلام و

أراد فساد دين الإسلام كما أفسد بُلُس دين النصارا.

اول کسی که عصمت را برای علی اختراع کرد و گفت علی از طرف پیامبر برای خلافت نصب شده و نص و روایت داریم، سردسته منافقین، عبدالله بن سبا بوده است. او تظاهر به اسلام کرد و هدفش، نابودی دین اسلام بود، همانطوری که آقای بُلُس یهودی برای نابوی دین مسیحیت، مسیحی شد و تغییرات مفصلی را در دین مسیحیت ایجاد کرد.

می گوید:

شیعیان تابع عبدالله بن سبا هستند و:

فلا يصلون جمعة و لا جماعة.

شیعیان، نماز جمعه و نماز جماعت نمی خوانند.

عزیزانی که در کشورهای شیعه نشین هستند و با شیعیان حشر و نشر دارند، ببینند که آقای ابن تیمیه چه می گوید؟
همچنین ایشان می گوید:

شیعیان، فرقی میان مساجد و مشاهد نمی گذارند و به جای این که بروند در مساجد و خدا را پرستند، می روند در مقبره ها و میت ها را می پرستند.

مجموع فتاوا لابن تیمیه، ج 4، ص 518

ان شاء الله در جلسات بعدی، در این زمینه صحبت خواهیم کرد.

همچنین می گوید:

تمام روایاتی که شیعه از اهل بیت نقل کرده‌اند، دروغ است و روایتی که اینها از اهل بیت شنیده باشند، ندارند و تمام اینها را عبدالله بن سبا جعل کرده است.

مجموع فتاوا لابن تیمیه، ج 4، ص 367

حال آنکه خود اینها معتقدند که عبدالله بن سبا را امیرالمؤمنین (علیه السلام) کشت و یا او را در آتش سوزاند.

منهاج السنة لابن تیمیه، ج 2، ص 510 و ج 7، ص 220

با این که 90٪ روایات اهل بیت (علیهم السلام)، در زمان امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) منتشر شده است.

آقای احسان إلهی ظهیر - که سخنانش، امروز برای وهابی‌ها، مانند حلوا، شیرین است و مطالب او را نقل و ترجمه و منتشر می‌کنند و تصور می‌کنند که ایشان مطالب جدیدی دارد و حال آنکه همان مطالب بی‌اساس ابن تیمیه و مطالب بی‌پایه دهلوی را مطرح کرده است و کتاب‌هایش به فحش‌نامه بیشتر شبیه است تا کتاب اسلامی - کتابی دارد به نام **الشیعة و التشیع** و در **صفحه 267** در این زمینه، مفصل حرف دارد.

آقای عبد العزیز دهلوی در **تحفة الإثني عشرية** - که در حقیقت تحفه فحش‌نامه و سب‌نامه به شیعه است - در **صفحه 9 و 53، چاپ پاکستان** در این زمینه، مفصل سخن گفته است.

همچنین آقای دکتر قفاری - که امروز، از لیدرها و ایدئولوک‌های وهابی است و کتاب او را دولت عربستان سعودی با تیراژهای چند صد هزار، چاپ و منتشر کرده و اخیراً هم این کتاب‌ها، متن درسی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه بین‌المللی مدینه تدریس می‌شود - در کتاب **اصول مذهب الشیعة الإمامیة، جلد 2، صفحه 792**، همین حرف‌های ابن تیمیه و دهلوی و احسان إلهی ظهیر را مطرح کرده و می‌گوید:

تمام مباحثي که امروز، شیعه مطرح می‌کند و عقائد شیعه نسبت به وصایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عصمت

ائمہ (علیہم السلام) و بحث رجعت، به فردي به نام عبدالله بن سبا يهودي برمي‌گردد.

چون این شبهه، از اساسی‌ترین و جزء پر زرق و برق‌ترین شبهات وهابیت است و با این شبهه می‌توانند برای خودشان در جامعه، جایی را پیدا کنند و عقائد جوانان ما را تحت تأثیر قرار بدهند، ان شاء الله یک به یک اینها را مطرح خواهیم کرد و به حول و قوه الهی اثبات خواهیم کرد که این قضیه عبدالله بن سبا که اینها به این شکل، آن را به طمطراق و بوق و کرنا گذاشتند، یک اسطوره و خیالیات و وهمیات، بیشتر نیست و این قضیه، ساخته پرداخته فردي است به نام سیف بن عمر که خود آقایان اهل سنت او را زندیق و ملحد و جعّال و وضاع حدیث می‌دانند.

* * * * *

آقای یاسینی

انگیزه اصلی وهابیت برای جعل کردن عبدالله بن سبا چیست؟

استاد حسینی قزوینی

آنچه که بنده مطالعه و تحقیقات گسترده داشتم - و در جوابیه‌ای که به دکتر قفاری دادیم در نقد کتاب **اصول مذهب الشیعة الإمامیة** آوردیم و ان شاء الله به بینندگان عزیز هم وعده می‌دهیم که در آینده‌ای نه چندان دور، یک کتاب مستقلی در رابطه با اسطوره عبدالله بن سبا به زبان عربی و ترجمه فارسی در اختیار عموم قرار خواهیم داد - و در نتیجه‌ای که بنده رسیدم، سه انگیزه اساسی در جعل داستان و اسطوره و خیال‌بافی عبدالله بن سبا بوده است:

انگیزه اول:

برخي از وهابيت و بعضي از اهل سنت متشدد، مي بينند که تفکرات شيعي در امامت و خلافت و عصمت اهل بيت (عليهم السلام)، برخاسته از کتاب و سنت است. در کتابهايي که جديداً و قديماً نوشته اند، به ويژه کتاب گرانسنگ **الغدیر** از علامه اميني (ره) و کتاب بي نظير **عباة الأنوار** مرحوم مير حامد حسين (ره) و کتاب کم نظير **إحقاق الحق** قاضي نور الله شوشنري و بعضي از کتابهايي که اخيراً نوشته شده، تمام عقائد شيعه را مستند به کتب اهل سنت کرده اند و اقوال مفسرين و محدثين اهل سنت و با سندهاي صحيح، اين مطالب را آورده اند.

اينها ديدند که با اين وضع، بهترين راهي که بتوانند حداقل جوانان خودشان يا جوانان شيعه را منحرف کنند، آمدند داستاني را جعل کردند به نام عبدالله بن سبا که به حرفهاي شيعه، نگاه نکنيد، به اين روايات و آياتي که نقل مي کنند، توجه نکنيد؛ چون ريشه و سرچشمه مذهب شيعه، برمي گردد به یک فرد يهودي به نام عبدالله بن سبا.

انگيزه دوم:

از روز آغاز ارتحال نبي مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، اهل بيت پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) در گوشه قرار گرفتند و مردم به توصيه هاي نبي مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، به ويژه قرآن و اهل بيت (عليهم السلام) که نبي مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، اهل بيت (عليهم السلام) را عِدْل و همسنگ قرآن قرار داد و فرمود:

إن تمسکتُم بهما، لن تضلوا بعدی.

اگر به قرآن و اهل بيت (عليهم السلام) تمسک بکنيد، قطعاً براي هميشه از گمراهي امان خواهيد داشت و بيمه خواهيد شد.

از اين طرف، آقایان اهل سنت از اهل بيت (عليهم السلام) جدا شدند و رفتند سراغ صحابه. براي آنکه بتوانند سنت صحابه را در ردیف سنت پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) قرار بدهند و سخنان صحابه را به عنوان یک مرجع اسلامي و شريعت قرار بدهند، معتقد به عدالت صحابه شدند يا به عبارتي ديگر، معتقد به عصمت صحابه شدند و گفتند

که گفتار صحابه، گفتار خداست و گفتار شریعت است و ما موظف هستیم که به سخنان صحابه به عنوان مصدر شریعت نگاه کنیم.

از طرف دیگر دیدند که همین صحابه، اختلافات شدیدی بعد از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) داشتند. در قضیه قتل عثمان، آن همه سر و صدا ایجاد شد. در قضیه جنگ جمل، در یک طرف، شخصیت‌های بزرگی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ابن عباس و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و شخصیت‌های بارز صحابه پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و در طرف دیگر، همسر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، عایشه ام المؤمنین و طلحه و زبیر و دیگران بودند که نزدیک به 30 هزار کشته داد.

در قضیه صفین، در یک طرف، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و شخصیت‌های برجسته و در طرف دیگر معاویه و عمروعاص و مروان که تصور می‌کنند صحابه بودند.

اگر اینها بخواهند با این وضع، به عنوان مصدر شریعت قرار بگیرند، چه کار کنند؟ سخن حضرت علی (علیه السلام) را قبول کنند یا سخن طلحه را؟ سخن ابن عباس و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و عمار را یا سخن زبیر و معاویه و عمروعاص و مروان را؟ لذا اینها دیدند که این جنگ‌ها و مشاجراتی که بین بزرگان صحابه انجام گرفته، قابل توجیه نیست. آقای تفتازانی - از استوانه‌های علمی اهل سنت و از بنیان‌گذاران مکتب کلامی اهل سنت و متوفای 791 - صراحتاً در کتاب **شرح مقاصد** این تعبیر را دارد که تقاضا می‌کنم از عزیزان به این عبارت تفتازانی - که از ارکان علمی اهل سنت است - دقت کنند که می‌گوید:

أن ما وقع بين الصحابة من المحاربات و المشاجرات على الوجه المسطور في كتب التواريخ و المذكور على السنة

الثغاة، يدل بظاهره على أن بعضهم قد حاد عن طريق الحق و بلغ حد الظلم و الفسق و كان الباعث له الحقد و العناد

و الحسد و اللداد و طلب الملك و الرياسة.

آنچه که از درگیری‌ها و جنگ بین صحابه نقل شده و با سندهای صحیح به ما رسیده است، نشانگر این است که برخی از صحابه، از صراط مستقیم منحرف شدند و به مرتبه ظلم و فسق رسیدند و انگیزه اینها، این بود که نسبت به همدیگر کینه داشتند و حسد ورزیدند و دنبال ریاست‌طلبی بودند.

شرح المقاصد في علم الکلام للفتازاني، ج 2، ص 306

روی این جهت، آمدند دو مسئله را مطرح کردند تا بتوانند این اختلافات عمیقی که میان صحابه بود و مشاجرات و کشتارها و تکفیر کردن همدیگر را بتوانند توجیه کنند. کار اول آنها این بود که گفتند تمام این اختلافاتی که میان صحابه افتاد، برمی‌گردد به یک نفر یهودی به نام عبدالله بن سبا.

آقای دکتر احمد محمود صبحی - استاد فلسفه در دانشگاه اسکندریه مصر - صراحت دارد:

یکی از حقایقی که مورخین به آن بی‌توجهی کردند واز کنارش به سادگی گذشتند، این است که در تاریخ اسلام، اتفاقات دردناک و تلخی افتاده است. مانند قضیه قتل خلیفه سوم، عثمان و قضیه جنگ جمل:

و قد شارك فيها كبار الصحابة و زوجة الرسول.

که بزرگان صحابه و همسر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) در آن شرکت داشتند.

و همدیگر را تکفیر می‌کردند و قتل همدیگر را واجب می‌دانستند و مورخین دیدند که هیچ راهی برای توجیه این کشتارها و تفسیق‌ها و تکفیرها ندارند، جز این‌که:

كان لا بد أن تلقى مسؤولية هذه الأحداث الجسم على كاهل أحد و لم يكن من المعقول أن يحتمل وزر ذلك كله

صحابه أجلاء أبلوا مع رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) بلاء حسناً، فكان لا بد أن يقع عبء ذلك كله على ابن

سبأ فهو الذي أثار الفتنة التي أدت لقتل عثمان و هو الذي حرّض الجيشين يوم الجمل على الإلتحام على حين غفلة

من علي و طلحة و الزبير.

باید این اتفاقات میان صحابه را به گردن یک نفر بیاندازیم و بهترین فردی که در این زمینه می‌توانستند مسئولیت این اتفاقات را به او نسبت دهند، فردی بهتر از عبدالله بن سبا نیست. لذا آمدند عبدالله بن سبا را ساختند و تمام درگیری‌های جنگ حمل و قتل عثمان و دیگر مشاجرات صحابه را به گردن او انداختند.

انگیزه سوم:

آقایان، فتوا دادند و گفتند:

ما ناگزیریم تمام آنچه که از صحابه در تاریخ ثبت شده است، مطالب خلاف سنت و قرآن و تکفیر همدیگر و واجب دانستن کشتن همدیگر را:

إلا أن العلماء لحسن ظنهم بأصحاب رسول الله (ص) ذكروا لها محامل و تأويلات.

بزرگان ما آمدند برای این درگیری‌ها و تکفیر صحابه نسبت به یکدیگر و این کشتارها، یک محمل‌ها و تأویلاتی درست کردند.

شرح المقاصد في علم الكلام للفتازاني، ج 2، ص 306

وقتی عایشه و طلحه و زبیر می‌آیند در برابر حضرت علی (علیه السلام) و عمار و ابن عباس و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می‌ایستند، یعنی معتقد به وجوب قتل آنهاست و امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در برابر اینها می‌ایستند، معتقد به وجوب قتل اینهاست. در جنگ صفین 18 ماهه، معاویه و عمروعاص و مروان و دیگران، قتل حضرت علی (علیه السلام) و عمار را واجب می‌دانند و اگر واجب نمی‌دانستند، دست به این جنگ نمی‌زدند و همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) که کشتن معاویه را واجب می‌داند. وقتی بحث به اینجا می‌رسد، من در بحث‌های مختلفی

که با بزرگان وهابیت داشتیم، وقتی بحث صحابه و کارهای خلاف آنها را مطرح می‌کردیم، می‌گفتند که گذشته‌ها گذشته و ما نباید بحث گذشته‌ها را مطرح کنیم:

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سوره بقره/آیه 134

به ما چه که حق با حضرت علی (علیه السلام) بود یا حق با طلحه و زبیر و معاویه. ما وظیفه‌مان این است که هم بر معاویه درود بفرستیم و بگوییم که معاویه در بهشت است و هم حضرت علی (علیه السلام) در بهشت است. به قول یکی از مراجع عظام تقلید که می‌فرماید:

وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور می‌دهد طلحه و زبیر و معاویه و عمروعاص را بکشند، معتقد است که آنها اهل جهنم‌اند. حضرت علی (علیه السلام) نیامده است آنجا که یاران معاویه را بکشد و وارد بهشت کند. در جنگ جمل، اگر عایشه، مردم را تحریک می‌کند برای کشتن حضرت علی (علیه السلام) و یاران حضرت علی (علیه السلام)، نمی‌خواهد یاران حضرت علی (علیه السلام) را با این کشتن به بهشت بفرستد، بلکه معتقد است که اینها اهل جهنم‌اند و قتل‌شان واجب است و با کشتن‌شان، اینها وارد آتش می‌شوند. اینها با این نیت، این جنگ‌ها را شروع کردند.

وقتی که این بحث‌ها را مطرح می‌کنیم، می‌گویید که این بحث‌ها را مطرح نکنید و به صلاح نیست. ابن حجر مکی می‌گوید:

و مما یوجب الإمساک عما شجر بینهم من الاختلاف.

واجب است که تمام اختلافات میان صحابه را چشم پوشی کنیم.

الصواعق المحرقة، ج2، ص622، چاپ جدید دو جلدي موسسه رسالت بيروت

خود آقای احمد بن حنبل همچنين تعبيری را در **طبقات الحنابلة** دارد و می گوید:

واجب است که ما تمام کارهای خلاف صحابه را توجیه کنیم و محمل شرعی برای آنها درست کنیم و عقیده مان این باشد که همه اینها، اهل بهشت هستند.

طبقات الحنابلة، ج1، ص30

این آقایانی که این محملها را درست می کنند، ما نمی دانیم به آنچه که در صحاح شان نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که **نزدیک به 80 ماه بر بالای 70 هزار منبر، به دستور معاویه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را سب می کردند**، آیا در آنجا هم برایش محمل و توجیهی آورده اند یا خیر؟
البته من در اینجا، سخن برای گفتن، زیاد دارم و ان شاء الله در جلسات بعدی، در این زمینه با بینندگان عزیز سخن خواهم گفت.

* * * * *

آقای یاسینی

نظر علمای اهل سنت درباره این شخص چیست و چه شناختی از او دارند؟ کجا زندگی می کرده است و دینش چه بود؟

استاد حسینی قزوینی

در مورد عبدالله بن سبأ، ضرب المثل مشهوری است که می‌گویند:

آدم دروغگو، همیشه کم حافظه است.

اینها آمدند برای این که مقابله با فرهنگ نورانی شیعه بکنند، داستان یا اسطوره و افسانه عبدالله بن سبأ را جعل کردند و در رابطه با زندگی‌نامه او، کتاب‌های معتبر اهل سنت، دچار تناقض‌گویی شده‌اند. مثلاً آقای طبری - که از مورخان بنام اهل سنت است و ذهبی از او به عنوان امام در تاریخ و تفسیر نام می‌برد - وقتی به زندگی‌نامه عبدالله بن سبأ می‌رسد، می‌گوید:

كان عبدالله بن سبأ يهوديا من أهل الصنعاء و أمه سوداء.

عبدالله بن سبأ، یهودی بود از اهل صنعا یمن و مادرش، یک سیاه‌پوست بود.

تاریخ الطبری، ج 3، ص 378

آقای عبد القاهر بغدادی - از استوانه‌های کلامی اهل سنت - می‌گوید:

آقای عبدالله بن سبأ، یهودی است و اهل حیره عراق است.

الفرق بین الفرق لعبد القاهر البغدادي، ص 143

یعنی یکی می‌گوید برای عراق است و دیگری می‌گوید که برای یمن است. فاصله میان عراق و یمن، إلی ما شاء الله است.

همچنین آقای محمد ابو زهره - که از او تعبیر به امام می‌کنند و از شخصیت‌های بلند آوازه اهل سنت در عصر حاضر است - می‌گوید:

كان يهوديا من الحيرة أظهر الإسلام.

عبدالله بن سبا يهودي بود و از حيره عراق بود.

تاريخ المذاهب الإسلامية، ص38، نشر دارالفكر العربي بيروت

برخي ميگويد که ايشان اهل روم بوده است. حتي برخي در محل زندگي عبدالله بن سبا، گرفتار تناقض گويي شده اند. اين که ايشان در چه زماني ظهور کرده است؟ آقاي طبري ميگويد:

يهودي بود و در زمان عثمان، به ظاهر مسلمان شد و مردم را عليه عثمان تحريك کرد و منجر به قتل عثمان شد.

تاريخ الطبري، ج3، ص378

آقاي عبد القاهر بغدادي ميگويد:

عبدالله بن سبا، يهودي بود و در زمان علي بن ابي طالب مسلمان شد.

الفرق بين الفرق لعبد القاهر البغدادي، ص15

من از بينندگان عزيز و جوانان اهل سنت، حتي جوانان روشن وهابيت و مولويها و ماموستاهاي عزيز و تمام دانشجويان شيعة و سني که در سراسر جهان، عرض بنده را مي شنوند، تقاضا دارم که اگر يك مورد از آدرسهايي که بنده ميدهم، خلاف پيدا کردند، بنده، هر چقدر که جايزه بخواهند، خدمتشان تقديم ميکنم. چون برخي از اين ماهوارهها، جوابي براي حرفهاي زيبا و مستند و مستدل ما ندارند، ميگويند حرفهاي که فلاني ميزند، ما مراجعه کرديم و نادرست بود و پيدا نکرديم. خب، الان بند خودم از کتاب **صحيح بخاري**، هفت نوع چاپش دارم؛ هشت جلدي و پنج جلدي و سه جلدي و يك جلدي. حتي چندي پيش، يکي از اساتيد حوزه علميه زاهدان، تلفن کردند و يکي از احاديث **صحيح مسلم** را من براي ايشان خواندم. ايشان گفت که همچنين حديثي در **صحيح مسلم** نيست که معاويه دستور داده باشد که به حضرت علي (عليه السلام) ناسزا بگويد. گفتم اين عبارت را ايشان در **جلد 7، صفحه 120** آورده است. رفت و آورد

و گفت که در اینجا نیست. من شماره حدیث را برای ایشان مطرح کردم که **حدیث 6114** است. ایشان شماره حدیث را تفتیش کرد و گفت بله، همچنین روایتی در **صحیح مسلم** است.

از عزیزان، این را تقاضا می‌کنم اگر چنانچه یکی از آدرس‌هایی را که بنده می‌دهم، یک مورد را نتوانستند پیدا کنند، بزرگواری کنند از طریق سایت ما اعلام کنند و ما در صورت نیاز، فتوکپی همین صفحه از کتاب را برای عزیزان ارسال کنیم. گرچه بنده تصمیم دارم با همکاری عزیزان شبکه سلام در مرکز قم یا مشهد، بتوانیم یک سری بحث‌های مستند در رابطه با وهابیت داشته باشیم. یعنی هر حرفی که ما می‌زنیم، عزیزان از خود کتاب و مؤلف کتاب و محل چاپ کتاب و صفحه‌ای که من نقل روایت می‌کنم، عکس‌برداری کنند تا آقایان وهابیت نتوانند برون بگویند که آقایان فلانی، صحبت‌هایی که می‌کند، این جلد و صفحه را از خودش در می‌آورد.

اما در مورد عقائد عبدالله بن سبا از دیدگاه علمای اهل سنت، آقای اسفراینی می‌گوید:

إنه كان يؤمن أن عليا نبي.

عبدالله بن سبا معتقد بود که علی بن ابی طالب، نبی است.

التفسير في الدين، ص 123

آقای عبد القاهر بغدادی می‌گوید:

ثم يؤمن بأنه إله.

عبدالله بن سبا، معتقد بود که علی، خداست.

الفرق بين الفرق لعبد القاهر البغدادي، ص 15

آقای شهرستانی - از استوانه‌های کلامی اهل سنت - می‌گوید:

كان يؤمن بأن عليا ليس إله كاملاً، بل حلّ به جزء الألوهية.

معتقد بود که علي بن أبي طالب، خدای کامل نبود، بلکه بخشی از الوهیت در او حلول کرده بود..

الملل و النحل للشهرستاني، ج1، ص174، چاپ دارالمعرفة بيروت

باز هم آقای عبد القاهر بغدادی می‌گوید:

كان يؤمن بأن عليا وصي النبي.

عبدالله بن سبأ عقیده داشت که علي بن أبي طالب، وصی پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) است.

الفرق بين الفرق لعبد القاهر البغدادي، ص225

آقای شهرستانی و ایجی می‌گویند:

عبدالله بن سبأ معتقد بود که علي از دنیا نرفته است و درون ابر زندگی می‌کند و رعد و برقی که شما می‌شنوید،

صدای علي است و روزی خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

الملل و النحل للشهرستاني، ج1، ص174 - المواقف للإيجي، ج3، ص679

آقای طبری - سازنده افسانه عبدالله بن سبأ - می‌گوید:

كان ينادي بأن النبي سيرجع لا عليا.

کسی که در رجعت برمی‌گردد، علي نیست و پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) است.

تاريخ الطبري، ج3، ص378

شما ببینید! این تناقض‌هایی است که درباره عبدالله بن سبأ دارند. یکی می‌گوید که سازنده مذهب شیعه بوده است و یکی می‌گوید که معتقد بود که حضرت علي (عليه السلام) خداست و یکی می‌گوید که معتقد بود که حضرت علي

(عليه السلام)، پیامبر است و یکی می‌گوید که معتقد بود که حضرت علی (عليه السلام)، همان حضرت مهدی (عليه السلام) است و در میان ابرها زندگی می‌کند. خود این آقایان، درباره عبدالله بن سبا به یک نقطه مشترکی نرسیدند.

یکی می‌گوید که در سال 30 هجری در زمان عثمان، مسلمان شد.

تاریخ الطبری، ج3، ص375 و 378 - الكامل فی تاریخ ابن الأثیر، ج3، ص114

آقای طبری در جای دیگر می‌گوید که در سال 33 هجری مسلمان شده است. آقای ابن اثیر می‌گوید که در سال 27 هجری مسلمان شده است.

اینها نشان می‌دهد که چون این افسانه، واقعیت ندارد، هر روز فکری می‌کنند و یک چیزی بر این افسانه می‌افزایند، لذا دچار فراموشی می‌شوند و نمی‌دانند که قبلاً چه نوشته‌اند. این تناقض‌گویی‌ها دلالت می‌کند بر این‌که این مسائل و افسانه‌ها، دروغ و جعلی و ساختگی است و همان انگیزه‌های سه‌گانه ذکر شده، برای جعل افسانه عبدالله بن سبا حاکم است.

* * * * *

سوالات بینندگان

سوال:

آیا قسم خوردن به اسمی غیر از الله، مثلاً به اسم امامان (علیهم السلام) یا حضرت ابوالفضل (عليه السلام) و خون ریخته امام حسین (عليه السلام) که من مثلاً این کار را کرده‌ام یا خیر، این چه حکمی دارد؟

جواب:

آقایانی که قسم به غیر خدا را حرام می‌دانند و می‌گویند که دعوت به قرآن می‌کنیم. خداوند در قرآن به جان نبی مکرم

(صلي الله عليه و آله و سلم) قسم خورده است و مي فرمايد:

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

سوره حجر/آيه 72

در اينجا خداوند به جان نبي مكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) قسم مي خورد. قرآن، براي ما الگو هست. قرآن، به شمس و قمر قسم مي خورد:

وَ الشَّمْسِ وَ صُجَّاهَا * وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا

سوره شمس/آيه 1-2

اينها نشان گر اين است که اشيايي که قداست دارند، مي توان به آنها قسم خورد. مانند اين که ما بارها مي گوييم که به جان فرزندم، به جان مادرم، به جان پدرم. در اين رابطه، هيچ منعي در روايات نداريم. حتي يك حديثي در اين که پيامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) يا ائمه (عليهم السلام) نهي کرده باشند از قسم خوردن به غير خدا، نداريم.

* * * * *

سوال:

آيا نذر کردن به نام غير از الله، مثل نام امامان، مثلا در ماه محرم به نام امام حسين (عليه السلام) و مانند نذر کند، چه حکمي دارد؟

جواب:

عقيده شيعه اين است از زمان شيخ مفيد (ره) تا الان:

اگر کسي بخواهد نذر کند، اگر صيغه نذر بخواند، اين نذر محقق نمي شود. هزار بار هم بگويد که من براي امام

حسین (علیه السلام) نذر می‌کنم بر این‌که یک گوسفند بکشم، این نذر، نه شرعی است و نه عمل به این نذر، واجب است. باید بگوید من برای رضای خدای عالم نذر می‌کنم گوسفندی را بکشم در حرم امام حسین (علیه السلام) یا برای امام حسین (علیه السلام) یا حضرت عباس (علیه السلام). همانطوری که در عقد بین یک زن و مرد، تا وقتی که صیغه خوانده نشود، اینها به همدیگر محرم نمی‌شوند، در نذر هم اگر کسی صیغه عربی نذر یا ترجمه آن را نگوید، این نذر محقق نیست و عمل به همچنین نذری، واجب نیست.

اگر واقعا می‌خواهد چنین کاری بکند، قربة إلی الله باشد نه قربة إلی امام حسین (علیه السلام)، چون این کار، کفر و شرک است. باید قربة إلی الله این گوسفند را بکشد و در میان مردم توزیع کند و ثوابش را هدیه کند برای امام حسین (علیه السلام). این کاملاً درست است.

* * * * *

سوال:

عبدالله بن سبا یهودی، آیا یهودی بوده است؟ مگر بنیان‌گذار مکتب شیعه نبوده است؟

جواب:

ان شاء الله هفته آینده، بحث ما را پیگیری کنید بیشتر به جوابتان می‌رسید.

* * * * *

سوال:

آیا وهابیت هم به شعبه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند یا فقط وهابیت هستند؟

جواب:

اینها همه، تابع محمد بن عبد الوهاب و ابن تیمیه هستند و شعبه‌های متعددی ندارند. ولی اخیراً در درون وهابیت، به‌ویژه در درون آل سعود، از نظر گرایش سیاسی، به دو دسته اصلاح‌طلب و خشونت‌طلب یا محافظه کار و رادیکال، منشعب شده‌اند. در رأس آقایان اصلاح‌طلب، آقای ملک عبد الله و تعدادی از برادرانش هستند که می‌خواهند عربستان سعودی را یک کشور اروپا و آمریکا پسند بکنند و به اقلیت‌های مذهبی، آزادی بدهند و در رأس رادیکال‌ها هم خود امیر سلطان - ولیعهد، که الان در بیمارستانی در لندن، بستری است - و امیر نایب هستند. حتی همین قضیه بن لادن و امثال اینها، برمی‌گردد به این رادیکال‌ها و خشونت‌طلب‌ها.

البته این را هم عزیزان در نظر داشته باشند که وهابی‌ها، امروز از کلمه وهابی وحشت دارند و نمی‌گویند وهابی هستیم و می‌گویند که به ما سلفی بگویند. گرچه این قضیه، عمومی نیست.

حدود دو هفته قبل، از شبکه المستقله لندن - که یک شبکه وهابی است - برای من فکسی آمد که درباره وهابیت و نظریه محمد بن عبد الوهاب، بحثی داشته باشیم و شما نظرتان را ارسال کنید و چند شب پیش هم برای یکی از مراجع عظام تقلید حضرت آیت الله العظمی مکارم و از ایشان درخواست مناظره کرده بودند و ایشان جواب داده بود که من با مفتی اعظم عربستان سعودی مناظره می‌کنم و افرادی که در رده‌های پایین باشند، در حدی نیستند که ما با آنها مناظره کنیم. چون در مناظره، حداقل، شخصیت علمی و اجتماعی دو مناظر، باید رعایت شود.

* * * * *

سوال:

با مسئله عبدالله بن سبا کاری نداریم که با ایمان بود یا بی‌ایمان بود.

چرا برادران تشیع، نمازها را به صورت پنجگانه می‌خوانند و مانند نماز سنت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) نمی‌خوانند؟

جواب:

ان شاء الله شما هم هفته آینده، بحث ما را ببینید و نظریه شیعه را درباره عبدالله بن سبا، مفصل عرض خواهیم کرد. در مورد نمازهای شیعه، اولاً شما این را ثابت کن، بعد بیا در آن مناقشه کن. در صحیح مسلم شما، صراحت دارد:

جمع رسول الله صلى الله عليه و سلم بين الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدينة في غير خوف و لا مطر. قال: قلت لابن عباس: لم فعل ذلك؟ قال: كي لا يحرج أمته.

پیامبر (صلي الله عليه و سلم) نماز ظهر را با نماز عصر و نماز مغرب را با نماز عشاء، یکجا در مدینه خواند و نه هوا بارانی بود و نه مشکل ترس بود. وکیع می‌گوید: به ابن عباس گفتم: چرا پیامبر (صلي الله عليه و سلم) نمازها را با هم جمع کرد؟ ابن عباس گفت: برای این‌که پیامبر (صلي الله عليه و سلم)، امت خودش را به مشقت نیاندازد.

صحیح مسلم، ج 2، ص 152، حدیث 1518

حداقل همین‌که در کتاب‌های معتبر شماست، ما به این روایت و سنت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) عمل می‌کنیم. مضافاً به این‌که یک عده از جوانان از نماز خواندن بیزارند، چون باید یک مرتبه در ظهر نماز بخواند و دوباره در ساعت 5/2 و 3 بیاید نماز عصر بخواند و برود و اول مغرب هم بیاید نماز بخواند و 2 ساعت بعد از آن بیاید نماز عشاء را بخواند و باید کار و زندگی‌اش را کنار بگذارد. خصوصاً اگر کسی، کار ضروری داشته باشد یا شغلی داشته باشد که منزلش یا محل کار با مسجد، دور باشد، با مشقت مواجه می‌شود و قید نماز را می‌زند. ولی پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) برای این‌که مشکلی برای امت پیش نیاید، این را فرمود تا امت خودش را به مشکل و حرج نیاندازد.

* * * * *

سوال:

عبدالله بن سبا را یکی از مورخان شهیر شیعه به نام علامه ... قبول دارد.

جواب:

شما هم ان شاء الله در هفته آینده، بحث ما را پیگیری کن. از بزرگان اهل سنت مانند مانند دکتر طه حسین صراحت دارد:

عبدالله بن سبا، افسانه است. برای این که عداوت شان را با شیعه اثبات کنند، این را ساخته اند.

آقای دکتر علی نشار، دکتر حامد حقی، محمد کامل حسین، دکتر عبدالعزیز صالح، دکتر سهیل ذکار می گویند که این عبدالله بن سبا، ساختگی است. اکثر بزرگان اهل سنت می گویند که قضیه افسانه عبدالله بن سبا، ساختگی است. اضافه به این که ما در کتاب های خودمان، عبدالله بن سبا را یک فرد مطرود و ملعون و خبیث نام می بریم. اگر بنیان گذار مذهب شیعه بوده، باید به او احترام بگذاریم و قداست بدهیم و از او تجلیل کنیم. روایاتی از ائمه (علیهم السلام) در مذمت او داریم. این روایاتی که از عبدالله بن سبا آمده، مبنی بر بنیان گذاری مذهب شیعه، همه اش به **تاریخ طبری** برمی گردد و سیف بن عمر. سیف بن عمر، فردی زندق و ملحد و جعّال حدیث است. تمام بزرگان رجال حدیثی مانند ابن حبان و یحیی بن معین و ذهبی و ابن حجر، به این مطلب تصریح کرده اند.

شیعه، عبدالله بن سبا را قبول دارد، ولی به عنوان یک فرد ملعون و خبیث و فردی که درباره آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) غلو کرده است، در این حد قبول دارد؛ نه در حد افسانه ای که شما درست کردید. اصلاً ارتباطی با این قضایا نداشت. بله، ایشان یک غلوهای به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت داد و به نقلی، امیرالمؤمنین (علیه السلام)

هم او را سوزاندند یا تبعید کردند و تمام شد و رفت. اگر واقعا عبدالله بن سبا بود و این همه فتنه‌ها ایجاد کرد و قضیه قتل عثمان و جنگ جمل را ایجاد کرد، آقای ملازاده! این آقا کجا رفت؟ زیر زمین رفت با بالایی آسمان؟ ایشان در جنگ صفین کجا بود؟ در قضیه حکمیت کجا بود؟ در قضیه خوارج کجا بود؟ بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قضایای صلح امام حسن (علیه السلام)، کجا رفت؟ این را برای ما در بیاورید. اینها نشان‌گر این است که همانطوری که برخی از بزرگان منصف اهل سنت هم گفته‌اند، اینها به خاطر این‌که بتوانند دامن صحابه را از بعضی از گناهان و خلاف‌ها پاک کنند و عقیده شیعه را زیر سوال ببرند، این مسائل را جعل کردند.

* * * * *

سوال:

فرق وهابیت و اهل سنت چیست؟

جواب:

فرق آنها از زمین تا آسمان است. می‌توانید کتاب **الدرر السنیه** آقای زینی دحلان - مفتی مکه مکرمه و متوفای 1304 - **جلد اول، صفحه 64** را مطالعه کنید که می‌گوید:

آقای محمد بن عبد الوهاب که ظهور کرد و فرقه وهابیت را تأسیس کرد، اعلام کرد:

تمام مسلمانان - شافعی و مالکی و حنfy و حنبلی و شیعه و زیدی و ... - کافر هستند و علمای گذشته هم کافر

هستند و هر کس بخواهد مسلمان شود، باید 5 بار شهادت بدهد:

1. شهادت بر وحدانیت خداوند.

2. شهادت بر رسالت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم).

3. شهادت بر این که قبلاً مشرک بودم و با ورود به وهابیت، مسلمان شدم.

4. شهادت بدهد بر این که پدر مادرم که مرده‌اند و وهابي نشدند، مشرک مرده‌اند.

5. شهادت بدهد که علمای گذشته که مرده‌اند و وهابي نشدند، مشرک مرده‌اند و حق طلب مغفرت برای آنها ندارم.

سرتیپ ایوب صدري - از بزرگان اهل سنت - می‌گوید:

وقتی اینها خواستند مکه را فتح کنند، هزاران عالم اهل سنت را از لب شمشیر گذراندند به اتهام این که اینها کافر و مشرک و مانع نشر فرهنگ وهابیت هستند.

تمام علمای اهل سنت قائل به مشروعیت توسل و شفاعت و زیارت قبور و انبیاء (علیهم السلام) هستند و این عقیده وهابیت درباره حرمت توسل و شفاعت و زیارت قبور، خلاف نظریه تمام اهل سنت است.

* * * * *

سوال:

من نمازم را بدون مهر می‌خوانم. آیا این مسئله از نظر شرعی ایراد دارد یا خیر؟ چون فامیل‌های ما ایراد می‌گیرند.

جواب:

مهر گذاشتن، واجب نیست. آنچه که واجب است، سجده بر زمین گذاشتن است. اگر روی خاک و سنگ و حصیر و چوب و درخت و کاغذ، نماز بخوانید، اشکالی ندارد. ولی طبق روایاتی که از نبی مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) داریم، سجده کردن بر فرش و میوه‌جات باطل است. دلیل‌مان این است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) سجده کردند بر فرش و میوه‌جات باطل است. دلیل‌مان این است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) سجده کردند بر فرش و میوه‌جات باطل است.

آله و سلم) فرمود:

جعلت لي الأرض مسجداً و طهوراً.

خداوند، زمین را برای من، سجده‌گاه و محل طهارت قرار داده است.

صحیح البخاری، ج 1، ص 86 و ج 1، ص 113

یعنی، هم باید به زمین سجده کنیم و هم به زمین تیمم کنیم. این آقایانی که می‌گویند سجده بر فرش اشکالی ندارد، آیا می‌توانند بگویند که تیمم هم می‌شود روی لباس و فرش و کلاه کرد؟ وقتی تیمم روی فرش نمی‌شود کرد، قطعاً سجده هم نمی‌شود کرد.

در روایت آمده است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) بر سنگ سجده کرده است. آقای حاکم نیشابوری هم می‌گوید که روایت صحیح است.

عن ابن عباس: ان النبي صلى الله عليه و آله سجد على الحجر * هذا حديث صحيح الاسناد و لم يخرجاه *

مستدرک الصحيحين للحاكم النيشابوري، ج 1، ص 473

ذهبی هم می‌گوید روایت صحیح است.

در **صحیح مسلم**، آمده است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم):

يصلى على حصير يسجد عليه.

بر روی حصیر نماز می‌خواند و بر حصیر هم سجده می‌کرد.

صحیح مسلم، ج 2، ص 62

در **صحیح بخاری** آمده است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم):

یصلی علی الخمره.

بر روی خمره (جانماز حصیری) سجده می‌کرد.

صحیح البخاری، ج 1، ص 100

خمره، یک جانماز کوچکی بود که در زمان سابق، از حصیر یا لیف خرما درست می‌شد، به اندازه‌ای که دست و پیشانی انسان در آنجا جا بگیرد.

تمام این روایات، کاملاً در کتب اهل سنت موجود است.

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، بعضی از صحابه را مانند أفلح که بر گوشه عمامه‌شان سجده می‌کردند، منع می‌کرد و می‌فرمود:

یا أفلح! ترب.

بر روی تراب، سجده کن.

نیل الأوطار للشوکانی، ج 2، ص 131 - سنن الترمذی، ج 1، ص 236 - فتح الباری لابن حجر عسقلانی، ج 3، ص 68 - أسد الغابة لابن الأثیر، ج 1،

ص 107 - الإصابة لابن حجر، ج 1، ص 252

آقای علی بن عبد الله بن عباس - نوه عباس، عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) - نامه می‌نویسد به مکّه مکرّمه:

أرسل إلي بلوح من المروة أسجد عليه.

یک سنگی از کوه مروه برای من بفرست تا بر روی آن، سجده کنم.

المصنف لابن أبي شيبة الكوفي، ج 1، ص 308 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر، ج 43، ص 50 - اخبار مکّه، ج 2، ص 151

آقاي مسروق - از علمای بزرگ اهل سنت - :

إذا خرج يخرج بلبنة يسجد عليها في السفينة.

وقتی از مدینه می‌رفت، چیزی را که شبیه مهر از خاک مدینه درست کرده بود، با خود می‌برد و در کشتی بر روی آن سجده می‌کرد.

الطبقات الكبرى لابن سعد، ج6، ص79 - المصنف لعبد الرزاق الصنعاني، ج2، ص583

لذا، سجده کردن بر مهر، واجب نیست؛ سجده کردن بر زمین واجب است. سجده بر فرش و لباس و آنچه که مأكولات و ملبوسات است، باطل است.

* * * * *

* * * * *

* * * * *

«و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»»»

دکتر سید محمد حسینی قزوینی

فهرست نظرات

1 نام و نام خانوادگی: **مجید م علی** - تاریخ: **26 فروردین 88** - 00:00:00

با سلام متشکرم هم از برنامه هایتان در شبکه سلام و زحمتهایتان . خواهش دارم در مورد کعب الاحبار یهودی هم برنامه ی تهیه کنید و هم مقاله ای یا علی

جواب نظر:

با سلام

دوست گرامی

در این زمینه کتابی به نام یهود بثوب الإسلام نوشته نجاح الطائي موجود است ؛ می توانید به این کتاب مراجعه کنید .

موفق باشید گروه پاسخ به شبهات

2 نام و نام خانوادگی: محمد - تاریخ: 31 فروردین 88 - 00:00:00
با عرض سلام خدمت دوستان عزیز و علاقمند به برنامه های شبکه ماهواره ای سلام و همچنین شبکه قرآن سیمای جمهوری اسلامی ایران بعد از مدتی که مشکلی برای ضبط برنامه های این دو شبکه برای من پیش اومده بود الحمدلله مشکل حل شد و دوستان می تونن سی دی برنامه هایی رو که از این دو شبکه می خوان رو سفارش بدن و با قیمت مناسب در هر کجای ایران دریافت کنند. اگر دوستان برنامه خاصی مد نظرشون هست می تونن ساعت و عنوان برنامه رو برام تو پیغام خصوصی بزارن تا انجام وظیفه کنم. مواردی که فعلاً آماده کردم: مقایسه مکاتب و ادیان استاد حسین فریدونی شبکه سلام(مذهب بودا - قسمت چهارم) شفاعت در قرآن شبکه قرآن مورخ ۲۱/۱/۸۸ صحیفه معرفت دکتر اسدی گرمارودی شبکه سلام(شرحی بر دعای ۱۷ صحیفه سجاده) /http://valfajr313.blogfa.com

3 نام و نام خانوادگی: مجید م علی - تاریخ: 06 اردیبهشت 88 - 00:00:00
با سلام اینهم یك ویدو یو تیوب مناسب با این بحث . در ضمن برادران شبکه سلام تیوی نیز میتواند از این نمونه ویدوها استفاده کنند .
<http://www.youtube.com/watch?v=igvj3IQ-1G0> با تشکرادم اهل بیت نبی
جواب نظر:

با تشکر از شما

4 نام و نام خانوادگی: مهدی ذ - تاریخ: 07 اردیبهشت 88 - 00:00:00
با سلام خدمت تمام مبلغان انتظار آقا امام زمان (ع) . میخواستم در خواست کنم فایل(<http://www.youtube.com/watch?v=igvj3IQ-1G0>) را ترجمه کرده و برای دانلود روی سایت قرار دهید . فکر میکنم روند رشد افکار حقه تشیع نزد عامه مردم , با انتشار صوتی و تصویری آنها با سرعت بیشتری روی دهد . فرقه صالحه با نشر کلیپهای صوتی و تصویری در میان مردم (که اکثراً وقت کتاب خوانی و یا مراجعه به سایتهای تحقیقاتی را ندارند) سعی در ایجاد شك در عقاید آنها نموده اند . یکی کارهایی که میتواند از رسوخ منجلا بخلیفه پرستی در بین عوام جلوگیری نماید همین کارست . سپاسگذارم

5 نام و نام خانوادگی: محمد - تاریخ: 21 اردیبهشت 88 - 00:00:00
درمورد عبدالله بن سبا توصیه می کنم که9 کتاب گرانسنگ افسانه عبدالله بن سبا تالیف علامه عسگری را بخوانید که به گفته مرحوم علامه شیخ آل یاسین با نوشته شدن این کتاب تهمت بزرگی از شیعه برطرف شد

6 نام و نام خانوادگی: سید حسین - تاریخ: 08 خرداد 88 - 00:00:00
با سلام . افسانه عبد الله بن سبا و نسبت دادن شیعه به آن به حدی مضحک و خنده دار است که حتی ساده لوح ترین افراد نمی تواند چنین مطلبی را باور کند حال بینیم هدف نواصب و دشمنان اهل بیت برای مطرح کردن این افسانه چیست؟؟و اصلاً چرا تشکیل این افسانه را به دوران خلافت عثمان نسبت می دهند ؟ 1-تبرئه کردن صحابه از قتل عثمان: همان طور که همه مورخان و محدثان اهل سنت نوشته اند صحابه بسیاری به طور مستقیم و غیر مستقیم در قتل عثمان بن عفان نقش داشته اند و لذا این مطلب باعث خدشه دارشدن قداستی است که اهل سنت برای همه صحابه قائلند از این جهت برای تبرئه کردن صحابه افسانه ای با نام (عبد الله بن سبا)ساخته اند تا هرگاه سخن از قتل خلیفه سوم!!! به میان می آید ذهن افراد از صحابه منحرف شده و متوجه به فردی با نام عبد الله بن سبا شود . 2- تبرئه صحابه از فتنه هایی که پس از عثمان به بهانه خونخواهی عثمان بر پا کردند: همان طور که همه می دانند پس از قتل عثمان عده ای از اصحاب انحصار طلب که در دوران دوازده ساله خلافت عثمان صاحب مناصب کلیدی بودند و با به دست آوردن اموال حرام بسیار صاحب ثروت فراوان شدند پس از روی کار آمدن امیر المومنین به ناگاه دریافتند که ریشه مناصب و درآمد های باد آورده آنها خشکیده شد و دیگر نخواهند توانست مانند سابق بدون اینکه کار کنند به عیاشی بپردازند و غلامان و کنیزان زیبا خریداری کنند به همین خاطر با مطرح کردن شعار دروغین خونخواهی عثمان!!!جنگهای جمل و صفین را به راه انداختند از این رو اهل سنت برای توجیه این فتنه ها افسانه عبد الله بن سبا را مطرح می کنند تا دامن آنها را از این فتنه ها پاک کنند. 3-تبرئه کردن عثمان بن عفان از انحرافات و بدعت هایی که در طول دوره دوازده خلافت خود مرتکب شد: در دوره خلافت عثمان چنان فتنه ها و بدعت هایی در حکومت اسلامی به وجود آمد که اگر این دوره را بازگشت به جاهلیت و اشرافیت اموی نام نهمیم سخن گزافی نگفته ایم این اعمال خلاف سنت به حدی بود که اصحاب بسیاری مانند ابوذر غفاری - عمار -طلحه - زبیر و حتی عایشه به شدت با آنها به مخالفت برخاستند و همین مخالفت های اصحاب بود که زمینه را برای شورش عمومی و قتل عثمان مهیا ساخت ملاحظه می شود که اگر اهل سنت متوجه این بدعت ها و اعمال زشت عثمان

و مخالفت قاطبه صحابه با او شوند پروژه عدالت صحابه زیر سوال می رود و لذا ملاحظه می شود که نواصب با مطرح کردن این افسانه در زمان عثمان بهترین بهره را خواهند برد و با يك تیر هر سه نشان را خواهند زد برای روشن تر شدن مطلب به تعدادی از بدعت ها و اعمال خلاف عثمان در ذیل اشاره می شود :

او عبدالله ابن مسعود صحابی عظیم الشان پیامبر را بخاطر اعتراضات وی بر تغییراتی که در دین خدا می داد، در ملاء عام مورد خطاب قرار داده گفت : جانور زشتی نزد شما آمد که هر که به طعام وی رود، کثافت استغراغ خواهد کرد! و دستور داد او را با وضع ناهنجاری از مسجد بیرون کنند، و در اجرای فرمان او ابن مسعود را بلند کردند و چنان بر زمین کوفتند که یکی از پهلوهایش شکست ، ابن مسعود گفت : فلانی بدستور عثمان من را کشت . اهانت به عمار یاسر، صحابی بزرگ پیامبر و به دنبال آن اهانت های اوست به عمار یاسر صحابی بزرگ پیامبر و ضرب و شتم او، احادیث در فضائل عمار بسیار وارد شده است ، اما عثمان همچنانکه بلاذری در انساب آورده است عمار را بخاطر اعتراض به رفتار عثمان در سوء استفاده از بیت المال ، اهانت کرده به او گفت : ای فرزند کسی که جلو ادرارش را نمی گیرد، بر من جرات کردی ؟ سپس دستور داد که بگیردش ، عمار را به نزد عثمان آوردند، آنقدر عمار را زد تا غش کرد و طبق روایت بلاذری با لگد به میان پای او زد تا غش کرد، به گونه ای که نماز ظهر و عصر از او فوت شد. بار دیگر نیز وقتی خبر رحلت ابازر در تبعیدگاه ریزه که به دستور عثمان صورت گرفته بود به عثمان رسید گفت : خدا او را رحمت کند! عمار (با کنایه) گفت : آری خدا او را از طرف همه ما رحمت کند، عثمان (که از این کنایه برآشفته بود) گفت : ای که آ... پدرش را گاز می گرفت ، آیا می اندیشی که از تبعید او پشیمانم؟؟ (ادب خلیفه را ملاحظه کنید)سپس دستور داد تا بر پشت عمار کوبیده و گفت : تو هم به همان جای ابوزر برو، عمار آماده حرکت شده بود که طائفه بنی مخزوم به حمایتش آمدند، خبر به حضرت علی علیه السلام رسید و از حضرت خواستند با عثمان صحبت کند، حضرت به عثمان فرمود: ای عثمان از خدا بترس ، تو یکی از مردان شایسته مسلمین (ابوزر) را تبعید کردی که در آن تبعید جان سپرد، الان می خواهی همانند او را نیز تبعید کنی ، سخن میان این دو طولانی شد تا اینکه عثمان گفت : تو (یا علی) به تبعید شدن سزاوارتری از عمار، حضرت فرمود: اگر می خواهی این کار را بکن ، اما مهاجرین جلو عثمان را گرفتند و گفتند: اینکه نمی شود هر که با تو سخن گوید او را تبعید کنی ؟ و لذا از تبعید عمار صرف نظر کرد.و در مورد عمار همین بس که پیامبر فرمود: هر که عمار را ناسزا گوید و یا دشمن دارد خدا او را ناسزا گوید و دشنام دارد. اما داستان تبعید ابوزر به شام و از آنجا به ریزه و رحلت وی در آنجا از مسلمات و وقایع اسف بار تاریخ اسلام است ، و شما خود بهتر می دانید وقتی بزرگان اسلام این چنین تحقیر شوند، برای اسلام چه ارزش و آبرونی باقی خواهد ماند. او دستور داد تا ابوزر را به بدترین وجه از شام به مدینه آورند و گفت : او را بر روی شتر درشت سوار کن و همراهی سخت با او همراه کن که شب و روز براند تا یاد عثمان و معاویه را فراموش کند، ابوزر که در سن پیری و لاغری اندام و بلندی قد و دارای سر و ریش سفید بود، چنان در میان راه سختی کشید که رانهای پای او زخم شاد و گوشت آن ریخت و سخت کوفته و رنجور شد، و در مجلس مباحثه ای که میان ابوزر و عثمان رخ داد، عثمان ابوزر را متهم کرد که در حدیث خود به پیامبر دروغ می بندد، ابوزر حضرت علی را گواه گرفت ، حضرت بنفع ابوزر شهادت داد و از او دفاع کرد، عثمان که از این سخن برآشفته بود با کمال جسارت به حضرت امیر علیه السلام گفت : خاك بر دهانت باد (مؤ لف گوید: اگر نه این بود که می بایسد عمق فاجعه روشن شود جرات آوردن این جسارت را نداشتیم .) حضرت امیر نیز به او فرمود: خاك بر دهان خودت باد، این چه کاری است که می کنی و چه انصافی است که روا می داری ؟ چرا بخاطر نامه معاویه و سخن نامعلوم او، با ابازر چنین می کنی ؟ با اینکه ظلم و فساد و فتنه و عناد معاویه معلوم است . انحراف دیگر در بزرگداشت افراد پست 1- مروان پس از بررسی اجمالی و ذکر نمونه ای از برخورد خلیفه سوم با اصحاب بزرگ پیامبر، نگاهی گذرا می اندازیم به افرادی که در خلافت عثمان ، مورد احترام و عزت قرار گرفتند، از جمله افرادی که به ناحق مورد احترام و لطف عثمان قرار گرفتند مروان ابن حکم است ، عثمان قریه فدک را همان که صدیقه کبری سلام الله علیها به شدت بر آن اصرار می نمود، اما ابوبکر و عمر او را منع نمودند، و با جعل مطالبی از پیامبر که هر چه ما باقی گذاریم صدقه است فدک را از حضرت گرفتند، آری عثمان آن را یکجا در اختیار مروان قرار داد ، چرا که مروان پسر عموی او و شوهر دخترش بود، و به این مقدار نیز بسنده نکرد، هنگامی که آفریقا در زمان عثمان فتح شد، خمس آن را که پانصد هزار دینار بود یکجا به مروان بخشید و در نوبت دیگر دستور داد یکصد هزار و پنجاه اوقیه به مروان از بیت المال پرداخت کنند، کلیددار بیت المال زید ابن ارقم بود وی اعتراض کرد و گفت : اگر به مروان صد درهم می دادی زیاد بود، اما وی کلیددار را عزل کرد. این مروان که اینقدر مورد لطف عثمان قرار گرفته است ، هموست که پیامبر اکرم ، پدرش حکم و اولاد حکم را لعنت نمود و وقتی مروان ابن حکم (پس از ولادت) نزد حضرت رسول آوردند فرمود: وزغ ابن وزغ ملعونی است پسر ملعونی است پسر ملعون و این ملعون همان است که به امام حسین علیه السلام گفت : (شما) خانواده ملعونی هستی، و حضرت حسین علیه السلام به او فرمود: بخدا سوگند، خداوند تو را در حالی که در پشت پدرت بودی لعنت نموده است و این مروان همان است که خطبه عید را قبل از نماز می خواند تا مردم متفرق نشوند و او حضرت امیر علیه السلام را سب کند، و این مرد همان است که در هر جمعه و جماعتی حضرت امیر را سب می کرد، حتی می فرستاد تا شخصی درون خانه امام مجتبی رود و او و پدر بزرگوارش را به شدت ناسزا گوید. و او همان است که جلو جنازه امام مجتبی را گرفت و گفت : نمی گذارم او کنار پیامبر دفن شود. آری عثمان این وزغ ملعون را امین خود و مشاور خویش قرار داد و بر مسلمین مسلط کرد. حکم ابن عاص مورد عنایت خلیفه می شود، و از جمله افراد پستی که بوسیله عثمان مورد احترام قرار گرفتند، حکم ابن ابی العاص ، عموی عثمان و پدر مروان است ، این

مرد از همسایه های پیامبر در جاهلیت بود از همه بیشتر پیامبر را اذیت می کرد، در پشت سر حضرت با نشان دادن حالاتی حضرت را مسخره می کرد و چشمک می زد، طبق روایات ، پیامبر در یکی از این مواقع او را نفرین نمود و چشم او تا آخر عمر پرش پیدا کرد. او همان است که هنگامی که پیامبر با یکی از همسرانش بود، بر حضرت مشرف شد و بدچشمی کرد، حضرت در حالی که نیزه کوچکی در دست داشت ، به دنبال او بیرون آمده فرمود: چه کسی عذر خواه من است از این وزغ ملعون ، و سپس او و فرزندانش را به طائف تبعید فرمود، عثمان پس از پیامبر از ابوبکر و عمر خواست تا او را برگردانند، اما آنها قبول نکردند ولی او خود در زمان خلافتش اینکار را کرد، قبلاً گفتیم که پیامبر این فرد و فرزندش مروان را لعنت نمود، اما عثمان او را پناه داد و صدقات قضاعه را که سیصد هزار درهم بود، در اختیار وی نهاد. ولید فاسق شرابخوار از خلیفه هدیه می گیرد یکی دیگر از کسانی که مورد لطف عثمان قرار گرفت ، ولید ابن عقبه برادر مادری خلیفه است ، عثمان به او یکصد هزار از بیت المال عطا کرد. و این ولید همان است که پدرش از سرسخت ترین دشمنان پیامبر بود و بر روی پیامبر آب دهان پرتاب کرد، پیامبر اکرم به وی فرمود: اگر بیرون مکه تو را بینم سرت را با شمشیر جدا می کنم ، و در جنگ بدر اسیر و کشته شد، اما خود ولید همان است که قرآن او را فاسق نامیده است ، او فاسقی است ، شرابخوار و زناکار، که نسبت به دین هتاک است . ولید همان است که وقتی بر کوفه از طرف عثمان امیر شد، با حالت مستی به نماز آمد و در محراب مسجد قبی کرد و نماز صبح را چهاررکعت خواند و در نماز شعر عاشقانه خواند و گفت : آیا می خواهید بیشتر بخوانم؟! آری عثمان این فاسق فاجر را مأمور صدقات بنی ثعلب کرد و سپس استاندار کوفه نمود و بر نوامیس و دین مردم امین قرار داد، تعجب آور آنجاست که خلیفه در اجرای حد بر این شرابخوار سستی می کرد تا اینکه حضرت امیر علیه السلام حد را بر او جاری نمود. ابوسفیان مورد عنایت خلیفه می شود فرد دیگری که مورد احترام و لطف خلیفه قرار گرفت ابا سفیان ابن حرب است ، عثمان همان روزی که به مروان یکصد هزار داد به ابوسفیان دوپست هزار از بیت المال داد. اما ابوسفیان همان دشمن سرسخت پیامبر است در جاهلیت و پناهگاه منافقین است در اسلام ، حضرت علی علیه السلام به او فرمود: تو همواره دشمن اسلام و مسلمین بوده ای ، و هموست که پیامبر او و دو پسرش معاویه و یزید (برادر معاویه) را در وقتی که با هم می آمدند لعنت نمود و فرمود: خدایا لعنت کن سواره را (ابوسفیان) و آنکه جلو و آنکه پشت اوست . تعجب اینجاست که هر سه تا این افراد ملعون مورد احترام سه خلیفه قرار گرفتند، زیرا ابوبکر، یزید ابن ابوسفیان را والی شام کرد، و عمر معاویه را پس از یزید، والی شام نمود و عثمان نیز ابوسفیان را گرامی داشت . و به طرق مختلف روایت کرده اند که وقتی عثمان خلیفه شد، ابوسفیان نزد عثمان آمد و گفت : خلافت پس از عمر و ابوبکر به تو رسید، آن را مانند توپ به گردش در آور و پایه های آن را در بنی امیه قرار ده ، که حق همین حکومت است و بهشت و جهنمی در کار نیست ، عثمان فریاد زد: از من دور شو خدا به تو چنین و چنان کند. و در روایت دیگر آمده است که ابوسفیان پس از آنکه نابینا شده بود، نزد عثمان آمد و پرسید: آیا کسی هست ؟ گفتند: نه ، گفت : خدایا کار را کار جاهلیت قرار ده و حکومت را حکومت غاصبانه و پایه های زمین را برای بنی امیه بر پا کن . آری این دشمن دیرین اسلام با این وضعیت مورد لطف و تفقد خلیفه قرار می گیرد. عنایات خلیفه به عبدالله ابن سعد و از جمله افراد بنی امیه که مورد لطف خلیفه اموی قرار گرفتند برادر رضاعی عثمان عبدالله ابن سعد ابن ابی سرح است ، عثمان خمس غنائم آفریقا را در جنگ نخست که پانصد هزار دینار می شد به وی بخشید در حالی که بهره يك سواره نظام سه هزار بود. و او را والی کشور مصر نمود و مردم آنجا از ظلم وی به عثمان شکایت بردند ولی عثمان بر حکومت وی پافشاری می کرد، این عبدالله همان است که ابتدا مسلمان شد سپس مرتد شد و پیامبر هنگام فتح مکه ، فرمود تا او را بکشند، و خونش مباح است هر چند که زیر پرده کعبه باشد، اما عثمان او را پناه داد و پنهان کرد تا در موقعیت مناسب از پیامبر برای وی امان خواست ، پیامبر مدتی سکوت نمود، سپس قبول فرمود، وقتی عثمان رفت ، پیامبر فرمود: من سکوت نکردم مگر بخاطر اینکه یکی از شماها برخیزد و گردن او را بزند. آری این افراد بخاطر اینکه جزء خاندان بنی امیه و منسوبین عثمان هستند مورد لطف قرار می گیرند گرچه اسلام از آن ها بیزار است . بنی امیه در زمان عثمان بر مردم مسلط شدند بطور خلاصه آنکه عثمان ، تمام سعی خود را بر آن گذارد تا طبق گفته ابوسفیان تمام مراکز حساس را به بنی امیه واگذار کند، معاویه را در شام تام الاختیار قرار داد، عبدالله ابن ابی سرح را در مصر گمارد و ولید را در کوفه و مروان را مشاور خود نمود. بلاذری در انساب گوید: عثمان چه بسیار که بنی امیه را حکومت می داد و وقتی اعمال آنها مورد اعتراض اصحاب پیامبر قرار می گرفت و به او تذکر می دادند، گوش نمی داد او شیفته خاندان خود بنی امیه بود و تلاش می کرد تا يك حکومت اموی بپا کند، شبل ابن خالد نزد عثمان آمد وقتی که در مجلس او جز بنی امیه کسی نبود و گفت : ای گروه قریبش شما را چه شده ؟ آیا در میان شما طفلی نیست که بخواهد بزرگ شود، یا فقیری که بخواهد غنی گردد یا گمنامی که بخواهد نامش را بلند گردانید، چرا این اشعری - ابوموسی - را بر عراق مسلط کرده اید که آن را کاملاً بیلعد، عثمان گفت : چه کسی را برای عراق در نظر دارید؟ گفتند: عبدالله ابن عامر، و او عبدالله را در حالی که بیست و چهار یا پنج ساله بود بر عراق حاکم نمود. آری عثمان بنی امیه را بر امت اسلامی مسلط می کرد و می گفت : اگر کلیدهای بهشت در دست من بود، آن را به بنی امیه می دادم تا همگی وارد بهشت شوند. و چه زیبا و دقیق است تعبیر حضرت امیر علیه السلام نسبت به اعمال عثمان آنجا که در خطبه شفشقیه می فرماید: هنرش خوردن و دفع کردن بود، فرزندان پدرش (بنی امیه) مانند شتر گرسنه که در فصل بهار علف صحرا را با اشتها می بلعد، آن ها نیز اموال خدا را غارت کردند، تا اینکه شیرازه زندگیش گسیخت ، اعمالش در سقوطش تسریع کرد و شکم خوارگی او وی را هلاک کرد. بنی امیه از نظر قرآن و حدیث آری عثمان شیفته خاندان بنی امیه

است در حالی که قرآن این خاندان را شجره ملعونه می نامد، و آن وقتی بود که پیامبر در خواب دید که بنی امیه همانند میمونها بر منبرها قرار گرفته اند، و غصه دار شد و فرمود: بزودی آنها بر شما غلبه می کنند و رؤ ساي بدی خواهند بود، خداوند آیه 60 سوره اسراء را نازل نمود که در طی آن فرمود: و ما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة في القرآن الایة . و از ابی برزة روایت کرده اند که میغوض ترین زنده ها یا میغوض ترین مردم نزد پیامبر بنی امیه بودند، و حضرت امیر علیه السلام فرمود: هر امتی آفتی دارند و آفت این امت بنی امیه هستند. و اگر می خواهید به کیفیت اسلام و مسلمین در دوران حکومت بنی امیه پی ببرید به سخن پیامبر اکرم توجه کنید که فرمود: هرگاه بنی امیه تعدادشان به چهل نفر رسید، بندگان خدا را برده خود گردانند و مال خدا را بخشش قرار دهند، و کتاب خدا را به فساد و تباهی کشند. در پایان با عذر خواهی از دوستان عزیز از باب اطاله کلام بحث در مورد سایر انحرافات عثمان را به بعد موکول می کنیم .

7 نام و نام خانوادگی: shobhe1 - تاریخ: 16 مهر 88 - 00:00:00

در این عبارت نام فرد مورد نظر ظاهراً پلس است نه بلس (آقای بلس یهودی برای نابوی دین مسیحیت)،

8 نام و نام خانوادگی: بهار رضایی - تاریخ: 01 شهریور 89 - 11:32:05

سردسته منافقین بعد از شهادت حضرت علی برای ایجاد تفرقه بین زیروان امام حسن که بود و معاویه چه گزینه ای را برای جنگ روانی در اردوگاه امام حسن مجتبی انجام داد

جواب نظر:

باسلام

کاربر گرامی؛ سردسته منافقین زمان امام حسن علیه السلام اشعث بن قیس بود و معاویه برای ایجاد جنگ روانی از تبلیغات مسموم گرفته تا تطمیع یاران حضرت و فرستادن نامه های مختلف به امام حسن علیه السلام و ادعاهای گدازه و انتشار اخبار کذب بین سپاهیان ایشان مبنی بر صلح از طرف ایشان و ارسال اغتشاشگران در منطقه حکومت امام حسن ع و تحریک سپاهیان بخصوص خوارج علیه امام ع و... کمک گرفت.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

(1)

9 نام و نام خانوادگی: محمد رضا حشمت خواه - تاریخ: 10 دي 89 - 12:34:20

رجوع گردد به کتاب عبدالله بن سبا و افسانه های تاریخی دیگر تالیف علامه سید مرتضی عسکری

10 نام و نام خانوادگی: محمدفریدالبشیری_مزارشریف(افغانستان) - تاریخ: 12 اسفند 89 - 07:36:42

خیلی ممنون از زحمات فراوان دکتر قزوینی؛ در ضمن اگر در مورد ابو هریره مطالبی از منابع اهل سنت بنویسید بسیار عالی خواهد بود . تشکر

جواب نظر:

با سلام

دوست گرامی

می توانید به آدرس ذیل مراجعه کنید :

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=maghalat&id=106>

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

11 نام و نام خانوادگی: محمدفریدالبشیری_مزارشریف(افغانستان) - تاریخ: 22 اسفند 89 - 07:31:31

خیلی ممنون از زحمات فراوان دکتر حسینی قزوینی؛ در ضمن اگر در مورد ازدواج بچه شیعه با دختر سنی مذهب معلومات ارسال بدارید بسیار ممنون.

جواب نظر:

با سلام

دوست گرامی

در این زمینه می‌توانید به آدرس ذیل و همچنین نظرات مربوط به آن مراجعه کنید :
<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=693>

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

12 نام و نام خانوادگی: **علی** - تاریخ: **22 اردیبهشت 90 - 08:05:26**

سلام

خسته نباشید ممنون از سایت بسیار خوبتون

13 نام و نام خانوادگی: **حمیدرضا** - تاریخ: **09 تیر 90 - 01:47:47**

با درود فراوان // سپاسگزار از مطالب آموزنده و روشن شما در باب شخصیت و ماجرای عبدالله بن سبا // ماجور و موید باشید

14 نام و نام خانوادگی: **تیمور** - تاریخ: **17 مرداد 90 - 17:39:07**

چرا شیعه امامت را یکی از ارکان دین اسلام معرفی میکند

15 نام و نام خانوادگی: **پارزها** - تاریخ: **17 مرداد 91 - 14:24:18**

پروردگار عالم در روز غدیرخم این آیه را نازل فرمودند که: "..الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا.." امروز دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم یعنی آیه 3 سوره مائده که طبق نظر شیعه وسنی در رابطه با ولایت امیرالمومنین علی بن ابیطالب نازل شده است. پس خداوند با معرفی امام و جانشین پیامبر دین را کامل شده معرفی نمود، و از این دین، با امامت منصوب الهی، راضی شد، یعنی دین قبل از معرفی ولی، دین مرضی خداوند نبوده. بنابراین امامت از مهم ترین ارکان دین است. و دین بدون امامت اصلاً دین مرضی خدا نیست. التماس دعا یا علی

16 نام و نام خانوادگی: **م** - تاریخ: **05 مهر 91 - 17:06:05**

شما چقدر لاف می زنید ، کتاب صحیح البخاری فقط و فقط 2 جلد است ، این قدر آبروتون رو نبرید ما اهل سنت حتی در مورد بحار النوار و... اطلاعات کافی داریم . متن زیر رو بخوان این متن اصل و اساس بندگی الله(جلّ جلاله) است : شش اصل در دین مبین اسلام است ، که اگر ما مسلمانان به آن عمل کنیم سعادت و سر بلندی دنیا و آخرت و قرب الهی نصیب مان می شود :اول اقرار و یقین به کلمه ی طّیبه ی« لا إلهَ إِلاَّ اللهُ وَ مُحَمَّدَ رَسولَ اللهِ » : این کلمه ی طیبه از ما چهار چیز می طلبد: اولاً لفظ عربی آن را به طور صحیح ادا کنیم. ثانیاً معنی آن را که نیست خدایی جز خدای یگانه و حضرت محمد(ص) فرستاده ی خداست، بدانیم. ثالثاً هدف ما از اینکه می گوئیم « لا إلهَ إِلاَّ اللهُ وَ مُحَمَّدَ رَسولَ اللهِ » چیست؟ هدف این است که هر چه شده و می شود و خواهد شد به اذن و اراده ی «الله»(جلّ جلاله) بوده است و خواهد بود . «الله» خالق است و به غیر از «الله» خالقی نیست ، «الله» مالک است و به غیر از او مالکی نیست، «الله» رازق است و به غیر از او رازقی نیست ، «الله» حافظ است و به غیر از او حافظی نیست، «الله» در همه جا حاضر و ناظر است و «الله» علیمُ به ذاتِ الصّدور است ...رابعاً: فضیلت این کلمه این است که نبی کریم(ص) فرموده اند: هر کسی در حالی وفات بکند که با یقین بداند به غیر از «الله» تعالی هیچ معبودی نیست، وارد بهشت خواهد شد .(به روایت مسلم) حضرت علی(کرم الله وجهه) از رسول الله (ص) روایت می کنند که «الله» تعالی ارشاد فرموده اند: من «الله» هستم ، به غیر از من هیچ معبودی نیست، هرکسی اقرار به یگانگی من کرد در قلعه ی من داخل می شود و از عذاب من محفوظ می ماند. هدف از«مُحَمَّدَ رَسولَ اللهِ» این است که زندگی ۲۴ ساعته ی ما طبق سیره و سنّت رسول الله باشد . فضیلت آن این است که، هر عمل مطابق سنت رسول الله (ص) عبادت است . دوم نماز:نماز ستون دین است، یعنی تمام اعمال خوب انسان به نماز او بستگی دارد . مقصد نماز این است که باید اعمال و رفتار ما در خارج از نماز مانند اعمال و رفتار ما در هنگام نماز باشد . فضیلت نماز: مفهوم حدیث است که حضرت ابوذر (رضی الله عنه) می فرماید، رسول الله (ص) موقع زمستان به جایی بیرون رفتند. در آن موقع برگ های درختان به کثرت می ریخت. آن حضرت(ص) شاخه ی درختی را گرفتند که بر اثر آن برگ های درخت ریختند؛ فرمودند: ای ابوذر، گفتم: بله یا رسول الله، فرمودند: وقتی مسلمانان به خاطر رضای «الله» (جلّ جلاله) نماز می خواند، گناهانش مانند برگ های این درخت می ریزند. سوم علم و ذکر:مقصد از علم این است که امر حال را بدانیم و حلال را از حرام ، جایز را از ناجیز، محرم را از نا محرم تشخیص دهیم . فضیلت علم :مفهوم حدیث است که حضرت عثمان غنی (رضی الله عنه) می فرماید: رسول الله (ص) ارشاد می فرمایند: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد . مقصد از ذکر این است که حبّ و ترس از خدا در دل بیاید و حبّ و ترس مخلوق از دل خارج شود . فضیلت ذکر : می فرمایند دلی که ذکر می کند زنده است و دلی که ذکر نمی کند مرده است . ومفهوم حدیث است که رسول الله(ص) ارشاد می فرمایند :

عده ي زيادي از مردم ، در دنيا بر روي رخت خواب هاي نرم «الله» (جلّ جلاله) را ياد مي کنند که «الله» (جلّ جلاله) به سبب آن ، آنها را در درجات بلند بهشت داخل مي فرمايد . چهارم اکرام مسلم: مقصد از اکرام مسلم اين است که محبت در بين مسلمانان آنقدر زياد شود که خداوند درهاي هدايت را به روي کفار بگشايد . فضيلت اکرام مسلم: در حديثي رسول الله(ص) ارشاد مي فرمايند :هر کس پرده پوشي مسلمانني را بکند ، «الله» (جلّ جلاله) در دنيا و آخرت پرده پوشي او را خواهدکرد و «الله» (جلّ جلاله) بنده ي خود را کمک مي کند مادامي که او به کمک برادر خود مشغول باشد . پنجم اخلاص نيّت : مقصد از اخلاص نيّت اين است که هر کاري را فقط و فقط براي رضاي «الله» (جلّ جلاله) انجام دهيم . فضيلت اخلاص نيّت:در حديثي از رسول الله(ص) نقل شده که مي فرمايند : «الله» (جلّ جلاله) به صورت ها و مال هاي شما نگاه نمي کند ، بلکه به قلب ها و اعمال شما نگاه مي کند . ششم دعوت و تبليغ: مقصد از دعوت و تبليغ اين است که خودمان کار نيك انجام دهيم و ديگران را به کار نيك دعوت کنيم ، خودمان کار ناپسند انجام ندهيم و ديگران را از کار ناپسند باز داريم . فضيلت دعوت و تبليغ :در حديثي از رسول الله(ص) نقل شده که مي فرمايند : اگر در ميان قومي يک نفر گناهي انجام دهد و آنها با وجود داشتن قدرت ، او را از آن گناه باز ندارند ، پيش از مردن ، در همين دنيا، عذاب «الله» (جلّ جلاله) بر همه ي آنان مسلّمي شود .

جواب نظر:

باسلام

دوست گرامي

کتاب صحيح بخاري از يك جلد گرفته تا هشت جلد به همراه برخي تفاسير يا تعليقات و يا شرح لغات و ...به چاپ رسیده است.

اگر در مورد کتاب بحار الانوار اطلاعات کافي داشتيد که اسمش را غلط نمي نوشتيد؟!!!

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

(1)

17 نام و نام خانوادگي: مجيد م علي - تاريخ: 06 مهر 91 - 15:19:58

الله اکبر با سلام بله اين آقاي م راست ميگه اگر کتاب صحيح بخاري را برسي کنيد و احاديث صحيح را از غير صحيح تفکيک کنيد و يک جلدش را به مقدمه از ناشر قرار بدهيد صحيح بخار دو جلدي ميشود دوجلدي جيبي ... لبيک يا علي

18 نام و نام خانوادگي: ليلا - تاريخ: 15 مهر 91 - 02:36:27

با سلام مطالبتون خيلي برام مفيد بود. شما در باره ي عبدالله بين سبا حرف زده ايد و جناب م کلي موعظه از هر موضوعي گفته به غير از عبدالله بين سبا!!! و جالب است که شما را لاف زدن متهم کرده اند که البته به نظر من بحث را دور زده همين. لطفا با توجه به اينکه تاريخ اين پست خيلي قديمي است و من هم از طريق جستجو به اينجا رسيدم بخش آدرس بخش بعدي اين گفتگو رو مي خواستم بدونم. البته سايت ولي عصر رو از قبل هم مي شناختم و استفاده مي کنم. موفق باشيد

جواب نظر:

با سلام

خواهر گرامي

جهت اطلاع از ادامه بحث درباره عبدالله بن سبا، به اين آدرس ها رجوع کنيد

www.valiasr-aj.com/fa/page.php

www.valiasr-aj.com/fa/page.php

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

آموزش رجال | مناظرات | فتنه وهابیت | آرشیو اخبار | آرشیو یادداشت | پایگاه های برتر | گالری تصاویر | خارج فقه مقارن | درباره ما | شبکه سلام | ارتباط با ما

